



دانشگاه تهران
وزارت آموزش و پرورش
انرژی کل آموزش و پرورش کشور
معاونت آموزش و پرورش شهرستان تهران



تحلیل محتوای کتاب درسی زیست‌شناسی پایه دهم به روش گانینگ و رومی

فاطمه زارع^۱، لیلا رضائیان^۲

^۱دانشجوی کارشناسی زیست‌شناسی دانشگاه فرهنگیان، شیراز، ایران

fatemezarefz@chmail.ir

^۲عضو هیات علمی گروه علوم پایه دانشگاه فرهنگیان، شیراز، ایران

rezaean92@gmail.com

چکیده

انتخاب محتوای مناسب، از مهم‌ترین عوامل اثربخش و کارآمد بر فرآیند تدریس در آموزش و پرورش است. از این رو با توجه به استقرار نظام آموزشی جدید و کتب جدیدالتالیف، تحلیل محتوای کتب درسی امری ضروری و لازم به نظر می‌رسد. این پژوهش با هدف تحلیل محتوای کتاب زیست‌شناسی پایه دهم چاپ سال ۱۳۹۷ طبق الگوی فعال-غیرفعال ویلیام رومی در بخش متن و تصاویر و همچنین الگوی گانینگ مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق، توصیفی و از نوع تحلیل محتوا است. بر اساس یافته‌های پژوهش، ضریب درگیری یادگیرنده در بخش‌های متن و تصاویر مطابق با الگوی رومی به ترتیب ۰/۱۷ و ۰/۱۱ است که نشانگر غیرفعال بودن کتاب در بخش متن و تصاویر می‌باشد. هم‌چنین کتاب مذکور طبق الگوی گانینگ براساس نمونه‌گیری تصادفی برای دانش‌آموزان پایه دهم نامناسب است و محتوای آن مناسب دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر می‌باشد.

واژگان کلیدی: تحلیل محتوا، زیست‌شناسی پایه دهم، ویلیام رومی، گانینگ.

مقدمه

در ایران، نظام آموزشی به صورت متمرکز اداره و بیشتر فعالیت‌های آموزشی، در چارچوب کتاب درسی، انجام می‌شود؛ از این رو، انتخاب محتوا و ارائه آن، در قالب کتاب‌های درسی، اهمیت ویژه‌ای دارد. برای رسیدن به هدف‌های واقعی آموزش و پرورش، برنامه‌ریزی‌های گوناگونی نیاز است که یکی از مهم‌ترین آنها تهیه و تدوین کتاب‌های درسی مطلوب، بر اساس اصول علمی است (ملکی، ۱۳۸۶). در این جهت، بررسی محتوای کتاب‌های درسی می‌تواند نقاط قوت و ضعف احتمالی کتاب‌های درسی را برای اصلاح و تغییر احتمالی محتوا، متناسب با اهداف تعیین شده و دیگر ضوابط علمی، در اختیار برنامه‌ریزان و مولفان کتاب‌های درسی قرار دهد (یارمحمدیان، ۱۳۸۶).

یکی از روش‌های مناسب برای بررسی محتوای کتاب‌های درسی، تحلیل محتوای کتاب است که کمک می‌کند مفاهیم، اصول، نگرش‌ها، باورها و کلیه اجزای مطرح شده در قالب متن کتاب بررسی عملی و با اهداف برنامه درسی، مقایسه و ارزشیابی شود؛ برای مثال ممکن است کتاب درسی نگرش‌ها یا حالت‌هایی را تشویق کند که با اهداف برنامه همخوانی نداشته باشد. پس تحلیلگر کتاب می‌تواند پیام‌های نهفته، در کتاب درسی را با اهداف برنامه یا علاقه‌های فراگیران یا دیگر موارد موردنظر خود بررسی کند (یارمحمدیان، ۱۳۸۶) (جعفری هرنیدی و میرشاه جعفری، ۱۳۸۹).

یکی از کاربردهای تحلیل محتوای کتاب درسی، تعیین میزان تناسب و همخوانی محتوا با هدف‌های برنامه درسی است. تحلیل کتاب درسی، در واقع، با این تعبیر، نوعی ارزشیابی کتاب درسی نیز می‌تواند تلقی شود. از اصول کلی آموزش، شرکت فعال یادگیرنده در امر یادگیری است به نحوی که بتواند با محتوای کتاب‌های درسی درگیر شود و واکنشی فعال از خود نشان دهد؛ متأسفانه امروزه کتاب‌هایی که در آنها به حل مسأله و یادگیری فعال توجه شده باشد، کم شده‌اند و در اکثر کتاب‌ها، انتقال اطلاعات، حرف اول را می‌زند. طبق نظر پیاژه، «دانستن اطلاعات بیشتر، تفکر کودک را پیشرفته‌تر نمی‌سازد؛ پیشرفت از نظر کیفی، متفاوت است.» یکی از روش‌هایی که می‌تواند میزان درگیری فعال یادگیرنده را در جریان یادگیری تعیین نماید، روش ویلیام رومی است (بیابانگرد، ۱۳۸۴).